

در موسیقی الکترونیک پایه های چهارم

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گفتگو با

پاول وان دیک
PAUL VAN DYK



کامل بین ما بود.

○ برخی از علاقمندان به موسیقی و حتی دی‌جی‌ها از مواد مخدر استفاده می‌کنند تا بتوانند پس از یک هفته کاری سخت، در تعطیلات آخر هفته از ذهنیت کاری فرار کنند...

برای من موسیقی از نقطه متفاوتی آغاز شده. من موسیقی را با رادیو شناختم و نه با خوردن قرص‌های محرک و کله تکان دادن مقابل رادیو! من به موسیقی عشق می‌ورزم و بنابراین نیازی به استفاده از مواد مخدر ندارم و هرگز از آن استفاده نکرده‌ام. به عقیده من شنونده باید خود را در دریای موسیقی بیندازد بدون اینکه به چیزی چون مواد مخدر فکر کند. موسیقی به تنهایی



در سالهای نوجوانی در آن سوی دیوار برلین، پاول وان دیک رابطه خود را موسیقی روز جهان را تنها از طریق برنامه‌های رادیویی غرب اروپا حفظ می‌کرد و گرچه نمی‌توانست کارهای گروه‌هایی چون New order و اسمیتز را خریداری کند، ولی همین علاقه

به شنیدن او را در ردیف علاقمندان جدی موسیقی روز قرار می‌داد. با فروریختن دیوار در سال ۱۹۸۹، وان دیک از جمله نخستین

دی‌جی‌ها در صحنه موسیقی آلمان بود. چند سال بعد در ۱۹۹۲ آلبوم روز مطلوب او به عنوان اولین آلبوم موسیقی سبک ترنس

(Trance) در اروپا شناخته شد. آلبوم‌های بعد او ۴۵ دور در دقیقه (۱۹۹۴) و هفت راه (۱۹۹۵) نیز گرچه آلبوم‌های خوبی بودند ولی به اندازه تک‌آهنگ‌های منتخب آنها تأثیر گذار نبودند.

تک‌آهنگ‌هایی چون «میوه ممنوع» «برای یک فرشته» و «کلام» که بدل به آثاری کلاسیک در سبک نوپای ترنس شدند، اما آلبوم

Out there and Back او با استفاده بیشتر از صدای خواننده و ملودی‌های دلنشین به‌واقع شاهکاری در موسیقی ترنس بود

که چند هفته در صدر آلبوم‌های پرفروش اروپا قرار داشت. نشریه Wire به همین بهانه گفتگویی را با وان دیک انجام داده است:

○ آلبوم Out there and Back از مهمترین آلبوم‌های موسیقی ترنس امسال است. نظر خود شما در این رابطه چیست؟

من این قضیه را از وجه شخصی آن دنبال می‌کنم. این آلبوم به همراه چند آهنگ دیگر قرار بود در سال قبل تحت عنوان خیابان

ستارگان به بازار عرضه شود، ولی درگیری من با شرکت توزیع‌کننده و ادعای مالکیت از سوی او، همه چیز را بهم ریخت و من ناچار

شدم دست نگه دارم تا قضاوت انجام شود، در حالی که می‌دانستم رأی نهایی به سود من خواهد بود.

○ پس نام اصلی آلبوم «خیابان ستاره‌ها» است؟ خیر. این یک آلبوم تازه است. آن موقعیت را کاملاً ناامید کرد

چون تصور می‌کردم افرادی که در آن شرکت مشغول به کار هستند، همیشه رفتار دوستانه‌ای دارند. بنابراین من بدون در

نظر گرفتن آن روابط صمیمانه، شروع به ساخت آهنگ‌هایی جدید با استفاده از همان ملودی‌ها کردم.

○ موسیقی شما شنونده را از فضای اطرافش جدا می‌کند... زمانی که به استودیو می‌روم، ملودی خاصی در ذهنم ندارم، بلکه

فقط ایده‌ای در رابطه با اتمسفری که مایلیم خلق شود را مرور می‌کنم. بعد آلمان‌هایی را که می‌خواهم در آن فضا داشته باشم،

مهیا می‌کنم و فضای لازم را خلق می‌کنم.

○ پس با وجود بدون کلام بودن برخی کارهایتان، در اکثر موسیقی شما یک تم وجود داشته؟

دقیقاً. هر آهنگ داستانی را در خود دارد. برای مثال آهنگ اول به این دلیل «راه دیگر» نامیده شد، چون من پیش از این ماجرا

با برخی افراد رابطه دوستانه‌ای داشتم ولی پس از ماجرا ناچار شدم قضایا را به نوع دیگری ادامه دهم بنابراین نام آهنگ را «راه دیگر» انتخاب کردم. البته مطمئنم که این آهنگ برای مردم

مفهوم دیگری خواهد داشت و این جالبترین نکته درباره موسیقی الکترونیک است.

○ در این آلبوم شما در یک آهنگ با گروه سن‌اتین هم داشتید... من یکی از طرفداران پروپاقرص سن‌اتین هستم و از دو سال

پیش در نظر داشتم از صدای سارا کراکتل در یکی از آهنگ‌هایم استفاده کنم. من آهنگ مورد علاقه‌ام از آنها را انتخاب کردم و آهنگ جدیدی را به همان تم نوشتم و صدای او را به آن اضافه

کردم. من این آهنگ را با توجه به فضای صدای او ساختم و در نهایت هم تأیید او را گرفتم بنابراین این آهنگ یک همکاری

می‌تواند او را از مشکلات روزمره جدا کند. در این شرایط است که موسیقی تنها منبع انرژی برای او خواهد بود.

○ برخلاف اکثر گروه‌های ترنس، شما از ملودی در موسیقی استفاده می‌کنید...

من همیشه انرژی موسیقی ترنس را دوست داشتم ولی دوست دارم وقتی شنونده موسیقی را گوش می‌دهد، پس از آن یک

ملودی در ذهنش باقی بماند و یک احساس متحصربه‌فرد از موسیقی مرا با خود به همراه داشته باشد.



از بهترین خوانندگان دهه های هفتاد و هشتاد اروپا بود و این روزها دوباره به استودیوی ضبط آهنگ می رود. می خواهد آلبوم تازه ای ارائه کند و هوادارانش بی صبرانه منتظرند.

● در کنسرتی که در نیویورک داشتید، به هوادارانتان قول دادید که در سال جدید آلبومی تازه داشته باشید... بله، اما هنوز مشخص نیست این آلبوم چه زمانی آماده می شود. دوست دارم از کارهای تازه ام هم مثل آهنگ هایی که در گذشته اجرا کرده ام، استقبال کنند. به همین دلیل در انتخاب شعر و آهنگ و حتی اجرا کمی سختگیر هستم. در حال حاضر، روی سه آهنگ تازه کار می کنم که به زودی ضبط آنها شروع می شود.

● در این آلبوم تازه جایی هم برای آهنگ های قدیمی شما وجود دارد؟

بله. چند آهنگ قدیمی ام را البته با تنظیم و اجرای تازه در این آلبوم ارائه می کنم. هوادارنم آهنگ های قدیمی ام را دوست دارند. خودم هم به آنها علاقه دارم.

● چرا در این سال ها آهنگ تازه ای اجرا نکردید؟

در اواخر دهه هشتاد دنیای موسیقی بهم ریخت. گروه های تازه، سبک های تازه، کَشش های تازه... همه چیز به شکلی عجیب در خلاف جهت خواسته های من پیش می رفت. سخت آزرده شدم و از موسیقی فاصله گرفتم. می خواستم از این دنیای شلوغ دور باشم. به هوادارنم گفتم که دیگر آلبوم تازه ای نخواهم داشت، اما آنها اجازه ندادند. در طول این چند سال در کنسرت هایم با آنها بودم، اما آنها کار تازه ای می خواهند... به همین دلیل وسوسه شدم ادامه بدهم. شاید این آلبوم تازه آخرین کار من باشد، البته شاید...

● در سال ۱۹۷۸ با آهنگ *Just in time* موفق بودید. این آهنگ را معمولاً در تمام کنسرت هایتان به شکلی کامل

و تا حدی طولانی اجرا می کنید. به آن علاقه خاصی دارید؟ تمام آهنگ هایم را دوست دارم و این آهنگ را کمی بیشتر. هر یک از آهنگ هایم من را به گذشته ای برمی گرداند که از آن خیلی خاطره دارم. از این یادآوری خاطرات لذت می برم.

● می توانم بپرسم در این گذشته چه چیزهایی وجود دارد؟!

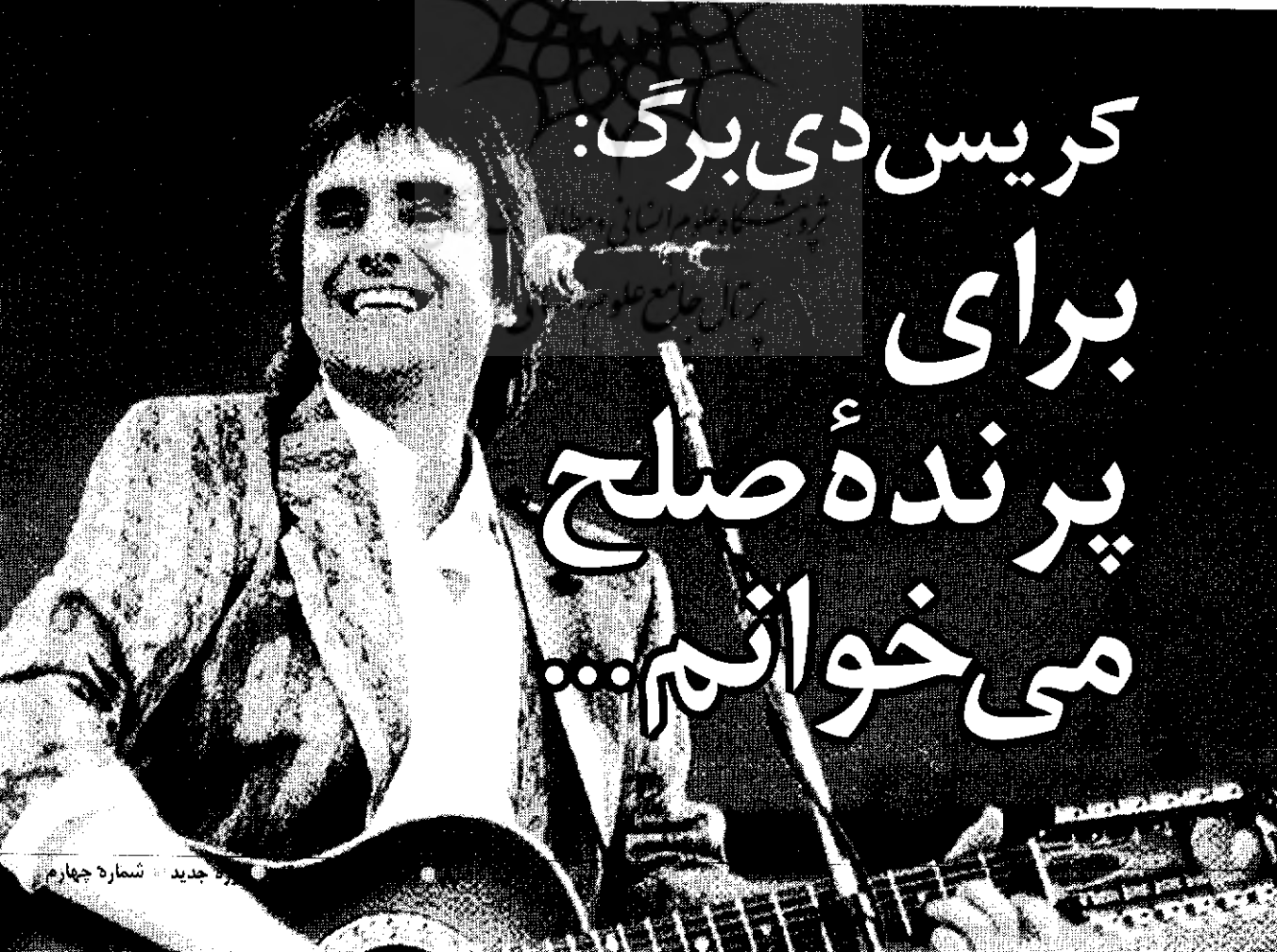
برای من همه چیز... و مهمتر از همه جوانی. من از این سال ها درست و خوب استفاده کردم. به همین دلیل با یادآوری آن غمگین نمی شوم. فقط از ملالی شیرین لذت می برم. وقتی گذشته ای خوب و خاطراتی شیرین داشته باشید، دوست دارید به آن فکر کنید. من با آهنگ هایم به گذشته برمی گردم. هوادارنم هم همینطور. گاهی در کنسرت ها از من آهنگی را می خواهند که خودم آن را فراموش کرده ام.

● غمی تسخیرکننده در آهنگ های شما وجود دارد. چرا غمگین می خوانید؟

نمی دانم. شاید به این دلیل که موسیقی و هر ملودی صدایی است که از دل بلند می شود. من در آهنگ هایم از آنچه دلم را به درد می آورد، حرف می زنم. در شرایط موجود ملودی قلب من نمی تواند شاد باشد. به دنیای اطراف خود نگاه کنید. مسائل زیادی وجود دارد که اگر درست و منطقی به آنها نگاه کنید، دل شما به درد می آید. بی عدالتی، جنگ، فقر و ظلمی که به کودکان جنگ ها می شود... همه گرد غم را به هوا بلند می کند. ما هم از آن تنفس می کنیم. نمی توانیم بی تفاوت باشیم. من برای پرنده صلح

گریس دی برگ:

برای پرنده صلح می خوانم...





راک و رپ هم کنار شما برنامه اجرا کردند. ظاهراً ترجیح داده‌اید با سایر گروه‌ها همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشید؟

سبک موسیقی مهم نیست. مهم این است که این موسیقی یا گروهی که از آن پیروی می‌کند و از آن الگو گرفته است حرفی برای گفتن داشته باشد. در میان گروه‌های تازه‌ای که در این سال‌ها وارد عرصه موسیقی شده‌اند،

خیلی‌ها نمی‌دانند چه می‌کنند. روی صحنه فقط این اوج صدا است که همه را به هیجان می‌آورد. یک هیجان کاذب که زود فروکش می‌کند. مخاطب و خواننده، هیچ‌یک از شعر و آهنگ چیزی نمی‌فهمند، چون شعر و آهنگی وجود ندارد. من از این موسیقی متنفرم. اما برخی گروه‌ها حرف‌هایی شنیدنی دارند و به سبک خود حرف می‌زنند. آنها قابل احترامند. در واقع با بیانی متفاوت حرف می‌زنند. متأسفانه این روزها خیلی‌ها از مفهوم واقعی موسیقی فاصله گرفته‌اند. به بعضی از آهنگ‌ها دیگر نمی‌توانید بگویید موسیقی. چیز غریبی است...

● پس از چند سال ضبط یک آهنگ تازه سخت نیست؟ نه. فقط در مورد شعر و آهنگ کمی سختگیر هستم و در اجرا هم وسواس به خرج می‌دهم. من همیشه دوست داشتم کارم کامل باشد.

● فکر می‌کنید کار شما کامل بوده است؟

تقریباً. در زندگی هیچ چیز کامل نیست. هر چیزی که فکر می‌کنید



می‌خوانم که امیدوارم هر چه زودتر به زمین ما برگردد.

● بخشی از درآمد کنسرت هایتان به کمک به کودکان بیمار اختصاص دارد. دوست دارید در این مورد توضیح بدهید؟!

من به بچه‌ها علاقه خاصی دارم. وقتی می‌بینم رنج می‌برند، رنج می‌برم. وقتی شاهد درد آنها باشم، درد می‌کشم. سه سال قبل خیلی اتفاقی از بخش کودکان سرطانی یکی از بیمارستان‌ها دیدن کردم. برای کاری به بیمارستان مراجعه کرده بودم، اما بیشتر از سه ساعت از بعدازظهرم را با کودکان بیمار گذراندم. از آن به بعد، بخشی از درآمد کنسرت‌هایم را به کمک به کودکان بیمار اختصاص داده‌ام.

● در کنار *Just in time* به کدامیک از آهنگ‌هایتان بیشتر علاقه دارید؟

از «دامه بده» و «نقاش» به‌خاطر آهنگ و مفهوم عمیق شعر آنها خیلی خوشم می‌آید، اما تمام آهنگ‌هایم را دوست دارم. وقتی آهنگ «عشق را در چشمانم داشتم» را اجرا می‌کنم، تمام چشمانم از اشک پر می‌شود. من هر یک از آهنگ‌هایم را به دلایلی انتخاب و اجرا کرده‌ام. بنابراین نمی‌توانم بگویم که از این با آن آهنگ بیشتر خوشم می‌آید. البته شاید آهنگ‌هایی باشند که تأثیر بیشتری روی من گذاشته باشند اما تمام آهنگ‌هایم را دوست دارم و هنوز هم پس از سال‌ها وقتی آنها را می‌خوانم، لذت می‌برم.

● اما ارائه کار تازه نیز شما را وسوسه می‌کند؟

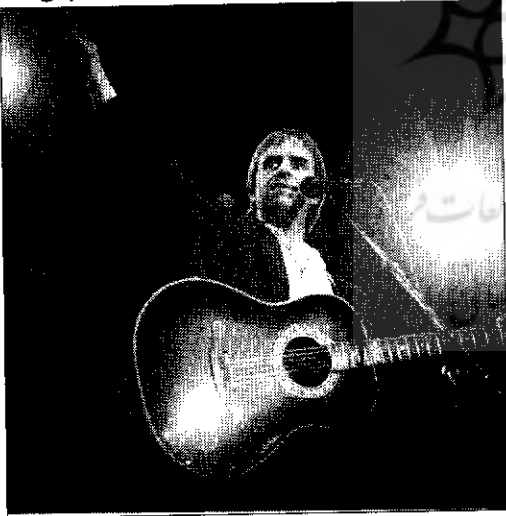
بله. این طبیعی است. من مدت‌ها کار تازه‌ای نداشتم چون نمی‌خواستم. امروز تصمیم دارم آلبوم تازه‌ای داشته باشم، اما این به آن دلیل نیست که از اجرای آهنگ‌های قدیمی‌ام خسته شده‌ام. فقط دوست دارم کار تازه داشته باشم و حرفی تازه بزنم.

● در کنسرت مشترکی که در نیویورک داشتید، چند گروه

● من همیشه دوست دارم کارم کامل باشد، اما هیچ چیز کامل نیست.

● به بعضی از آهنگ‌ها دیگر نمی‌توانید بگویید موسیقی.

چیز غریبی است!



کامل است. باز هم می‌تواند کامل‌تر شود و باز هم جا برای پیشرفت دارد. در تنظیم تازه آهنگ‌های قدیمی‌ام به نکته‌هایی پی بردم که برایم عجیب بود.

● از این همه کنسرت که در طول ماه برگزار می‌کنید، خسته نمی‌شوید؟

اجرای ۵ یا ۶ کنسرت که معمولاً گاهی هر یک از آنها دو بار تکرار می‌شود، خسته‌کننده نیست. من با موسیقی زندگی می‌کنم. این تنها چیزی است که من را خسته نمی‌کند.